

۲۰۰۰۰۰ - پیام "سازمان دانشجویان پیشگام" به "جبهه خلق برای آزادی عمان"

۵۰۰۰۰ - سرسخن

۱۵۰۰۰۰ - تحلیل طبقاتی جامعه عمان

۱۵۰۰۰۰ - مقدمه

۱۱۰۰۰۰ - طبقه کارگر

۱۷۰۰۰۰ - خواست های کارگران

۱۸۰۰۰۰ - دهقانان "جبل الاختر"

۲۵۰۰۰۰ - موقعیت دهقانان

۲۴۰۰۰۰ - مالکیت زمین های کشاورزی

۲۷۰۰۰۰ - ماهیگیران

۲۹۰۰۰۰ - ملوانان

۳۵۰۰۰۰ - دامداران

۳۲۰۰۰۰ - خرده بورژوازی

۴۵۰۰۰۰ - فئودالها

۳۶۰۰۰۰ - بورژوازی کمپرادور

۳۷۰۰۰۰ - مالکین

۳۸۰۰۰۰ - اقلیت های ملی

۴۴۰۰۰۰ - پیام "جبهه خلق برای آزادی عمان" به "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"

تجزیه طبقاتی جامعه عمان

بمناسبت چهاردهمین سالگرد آغاز انقلاب عمان

سازمان دانشجویان پیشگام

۱۹ خرداد ۱۳۵۸

بمناسبت آغاز یازدهمین سالگرد
انقلاب عمان

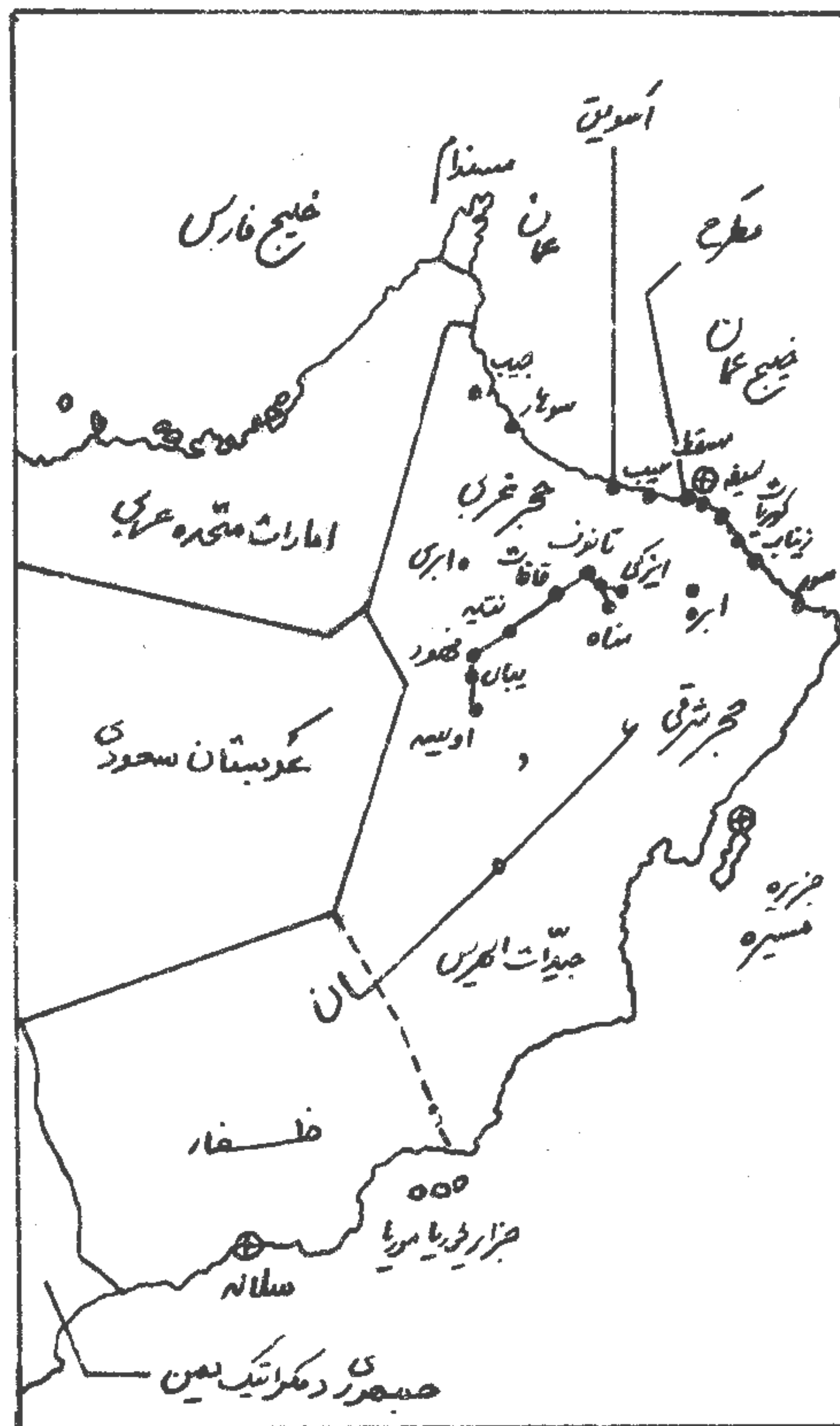
تحلیل طبقاتی جامعه عمان

سازمان دانشجویان پیشگام



پیام سازمان دانشجویان پیشگام به
جبهه خلق برای آزادی عمان

در چهاردهمین سالگرد انقلاب نهم ژوئن رفیقانه‌ترین
در ودهایمان رابه خلق عمان ومبارزین " جبهه خلق برای
آزادی عمان " تقدیم میداریم . انقلاب عمان باتکیه بر
مبارزه مسلحانه بمثابه تنه‌اره رهایی از چنگال امپریالیزم
جهانی و ایجاد جامعه‌ای عاری از ستم و استثمار سرفصل جدیدی
را در تاریخ مبارزات خلقهای منطقه گشود . از همین رو -
امپریالیزم جهانخوار برای سرکوب این انقلاب به بسیج کلیه
نیروهای ارتجاعی منطقه وبهره‌گیری از تمامی برنامه‌های
تحمیقی امپریالیستی دست زد . امپریالیزم با کودتای
انگلیسی قابوس در ۱۹۷۰ وانجام " اصلاحاتی " که محتوایش
چیزی جز کشاندن عمان به بازار جهانی سرمایه برای تامین
هرچه بیشتر منافع امپریالیزم و سرمایه‌داری وابسته نبود ،
تلاش کرد تا با جدا کردن انقلابیون از توده‌ها ، انقلاب را از
درون خفه کند . اما مبارزین " جبهه خلق برای آزادی عمان "
بدرستی به ماهیت این " اصلاحات " پی برده وبابردن آگاهی
سیاسی بدرون توده‌ها به گسترش‌فزاینده مبارزه مسلحانه
آزادبخش پرداختند . امپریالیزم این بار با کمک مزدوران
محلی اش شاه جلاد و ملک حسین خونخوار و در زیر پوشش
" امنیت خلیج " به یورش نظامی همه جانبه علیه انقلاب و



دستاورد هایش اقدام کرد. دهها هزار مزدور و سرباز ایرانی پاکستانی واردنی بسیج شدند تا با قصابی خلق مبارز عمان و پیشگامان مسلح اش انقلاب را نابود کنند.

اما این بار نیز انقلابیون با ادغام روش های متفلسفانه مبارزه این تشبث وحشیانه امپریالیزم را خنثی کردند. رفقا! مابه شرایط دشواری که شما برای تداوم انقلابتان با آن روبرو هستید واقفیم و ایمان داریم که جبهه خلق بسرای آزادی عمان همانگونه که در گذشته نشان داده است توانائی غلبه بر این مشکلات و پیروزی نهائی بر امپریالیزم و ارتجاع را دارد.

رفقا! در میهن ما قیام خونین ۱۰ و ۱۱ فوریه (۲۱ و ۲۲ بهمن) با سرنگونی سلطنت ننگین پهلوی راه را برای محو سلطه امپریالیزم و سرمایه داران سرسپرده آن هموار کرد. در جریان این قیام خلقهای رزمنده ما حماسه ها آفریدند. با سرنگونی رژیم و ضربه هایی که بر پیکر امپریالیزم وارد آمد خلقهای مایکبار دیگر نشان دادند که قادرند با کمک خلقهای منطقه و انقلابیون راستین، خاورمیانه را به گورستان امپریالیزم بدل کنند. هرچند که رژیم وابسته به امپریا-لیزم در ایران سرنگون گشته است اما هنوز چنگال امپریا-لیزم را بر پیکر جامعه میتوان دید. این امر وظایف نوینی را برای عمق بخشیدن به انقلاب و تداوم آن در برابر انقلابیون و خلقهای مبارز ایران قرار داده است.

همگامی هرچه بیشتر با انقلابیون منطقه در نبرد بسا امپریالیزم بخشی از این تعهد است.

رفقا! در آستانه سالگرد انقلاب عمان، ما در میهنمان ضمن بزرگداشت این انقلاب، پاکترین درودها را به شهدای بخون

خفته انقلاب عمان و به تمامی رزمندگانی که در راه ظفر نمون انقلاب به پیش می روند، تقدیم میداریم

مرگ بر امپریالیسم و وابستگی
سرنگون باد سلطنت وابسته به امپریالیسم قابوس جلاد
پیروز باد انقلاب خلق عمان
مستحکم باد پیوند خلقهای ایران و عمان

سازمان دانشجویان پیشگام

۸ ژوئن ۱۹۷۹

هجوم گسترده امپریالیزم به خلیج فارس، همزمان با بهره برداری وسیع از منابع نفتی، بسیاری از ساکنان جنوب بویژه ظفار را به مناطق نفت خیز گشاند. این مهاجرت که نتیجه ناگزیر شرایط طاقت فرسای زندگی در مناطق کوهستانی بود، به آشنائی هرچه گسترده تر کارگران با جنبشهای سیاسی از جمله جنبش "امام غالب" و ناسیونالیسم "ناصری" انجامید. در سال ۱۹۶۲ عده ای از رهبران این جنبش ها با پیوستن به گروهی از تبعیدیهای سیاسی "جبهه آزادیبخش ظفار" را پایه گذاری کردند. نخستین فعالیت های جبهه، تشکیل سازمانهای علمی، جمع آوری پول برای مساجد و کمک به تهی دستان بود. همگام با این امر گرایشی که طرفدار "امام غالب" بود، از طریق عضوگیری به تشکیل هسته های در داخل سلطان نشین عمان، با موضعی علیه سلطنت پرداخت. در حالیکه گرایشهای طرفدار ناصرفا "خواهان اخراج امپریالیزم انگلیس از منطقه بودند و تاکید بر رهایی منطقه از یوغ سلطان نشین عمان نداشتند.

با وجود اختلافاتی که این دو گرایش داشتند، گسترش انقلاب در یمن شمالی در سال ۱۹۶۲ و یمن جنوبی در سال ۱۹۶۳ عمده ترین موجب وحدت آنها گردید. در سال ۱۹۶۴ هواداران ظفاری ناصربا انتقال سازمانهای خود به ظفار به "جبهه آزادیبخش ظفار" پیوستند و کمیته اجرایی پنج نفری را برای آماده ساختن مقدمات مبارزه مسلحانه بوجود آوردند. آغاز این دوره از مبارزه، با گشودن دفتر جبهه در قاهره مشخص میشود. این دفتر تا سال ۱۹۶۷ کمکهای نظامی ناچیزی به جنبش نمود. دولت عراق نیز با آموزش ۱۶۰ نفر از کادرهای جبهه در سال ۱۹۶۴ به

کمک های خود تا سال ۱۹۶۸ ادامه داد. لیکن ناچیزی این کمک ها جنبش را به جمع آوری کمک مالی از خود منطقه وادار نمود. در سال ۱۹۶۵ بیش از شصت نفر از مبارزین جبهه در "مسقط و سلاله" دستگیر شدند و در بهار همان سال کشتی حامل مهمات جبهه توسط دولت ایران در خلیج توقیف شد. برای رهایی از این محدودیت ها، انقلابیون ظفار از شهرها خارج شده و به کوهستان عزیمت کردند. اولین کنگره جبهه در کوههای منطقه "وادی الکبیر" در سال ۱۹۶۵ تشکیل شد و کمیته اجرایی مرکب از هجده نفر را انتخاب نمود. پی آمد این کنگره آغاز اولین دوره جنگهای چریکی ظفار بود که از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۷ ادامه داشت.

نبردهای "جبهه آزادیبخش ظفار" را در این دوره مبارزه متمرکزی تشکیل میداد که عمدتاً در مناطق مرکزی ظفار اطراف سلاله و جاده "عمریه" صورت میگرفت. تاکتیک این نبردها عمدتاً ضربه و عقب نشینی بود و چریکها که از گروههای کوچکی تشکیل میشدند به پستهای دولتی حمله میکردند. در پائیز ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ نبردهایی در دره های شمال شرقی سلاله روی داد که در رابطه با نبرد تا بستان ۱۹۶۶ جمعاً ۵۹ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی و سه کامیون دولتی حامل مهمات جنگی مصادره شد. برخورد اهالی منطقه با مبارزه مسلحانه ابتدا احتیاط آمیز بود. جنگجویان جبهه را عمدتاً "مهاجرین و کارگرانی که در حوزه های نفتی کار میکردند تشکیل میدادند جبهه آزادیبخش برای جلب افراد قبایل مختلف منطقه و عضو گیری بهتر، منطقه را از نظر جغرافیایی به سه بخش تقسیم کرد سرکوب اهالی و افراد مشکوک از طرف سر بازان سلطان با همکاری انگلیسی ها و نیز پیروزی انقلاب در یمن جنوبی که گشایش راه ورود اسلحه و افراد مبارز به منطقه را همراه داشت،

موجب تقویت هرچه بیشتر جبهه آزادیبخش گردید. دوره جدیدی از مبارزه با ابعاد گسترده تر آغاز شد.

در دوره دوم نبردهای آزادیبخش (۱۹۷۰-۱۹۶۷)، چریکها بخشهای غربی و شرقی ظفار را آزاد کرده و نیروهای سلطان را به نوارباریک ساحلی در "سلاله" عقب راندند. این پیروزیها با تکامل ایدئولوژیک جبهه نیز همگام بود. درکنگره دوم - "جبهه آزادیبخش ظفار" در ۱۹۶۸، با خروج عناصر جدائی خواه، جبهه نام خود را به "جبهه خلق برای آزادی خلیج عربی" اشغال شده "تغییر داد و سوسیالیسم علمی را بمثابه پایه برنامه مبارزاتیش بر علیه امپریالیسم، استعمار و رژیم های الیگارشی منطقه پذیرفت. تغییراتی که در سال ۱۹۶۷ در صحنه بین المللی بوجود آمد موجبات گسترش جنبش را فراهم کرد. عقب نشینی امپریالیسم انگلیس از عدن سبب پدید آمدن متحدی مطمئن برای جنبش در جنوب منطقه شد و گشایشی را در جریان تهیه مهملات موجب گشت. در سال ۱۹۶۹ نیروهای انگلیسی که پیشتر کلیه مرزهای غربی را بسته بودند مجبور به ترک تمامی منطقه غرب و عقب نشینی به منطقه "سلاله" شدند. در تابستان همین سال چریکها با استفاده از یک بارندگی طوفانی که پرواز هواپیما و در نتیجه ارسال کمک را برای دشمنان غیرممکن می نمود "راخیوت" را تسخیر کردند. در جریان این حمله حاکم عمانی حمید بن سعید - دستگیر و اعدام انقلابی شد و امکان بازگشت به خانه و کاشانه وی با پیوستن به انقلابیون برای سربازانش فراهم گردید. بدین ترتیب بخش غربی کاملاً آزاد شد.

سقوط "راخیوت" به تمامی تلاشهای نیروهای انگلیسی برای جدا کردن انقلابیون از جمهوری دمکراتیک یمن (یمن جنوبی) پایان داد و راه را برای گسترش فزاینده تهاجم

سیاسی و نظامی جبهه باز کرد. در این زمان برای اولین بار مطبوعات انگلیس به کنترل تمامی ظفار بجز مناطق بیابانی و نوار ساحلی از طرف انقلابیون اقرار نمودند.

مشخصه دوره سوم مبارزه که از سال ۱۹۷۰ آغاز میشود کودتای انگلیسی قابوس بر علیه پدرش سعید بن تیمور در ۲۳ - ژوئیه ۱۹۷۰ است هدف این کودتا که از طرف امپریالیسم انگلیس تدارک شده بود ایجاد یک رشته "اصلاحات اقتصادی" در منطقه برای جلوگیری از گسترش فزاینده انقلاب بود. اما این تاکتیک امپریالیسم نیز نتوانست توده های عمانی را تحمیق و موقعیت جبهه را تضعیف کند. جبهه همگام با بردن آگاهی سیاسی بمیان توده ها و افشای ماهیت کودتا و اصلاحات، پیگیرانه نبرد را ادامه داد و موقعیت خویش را تحکیم بخشید. در چنین شرایطی بود که امپریالیسم با کمک رژیم مزدور پهلوی توطئه سرکوب نظامی جبهه را برنامه ریزی کرد. هزاران تن از سربازان شاه خونخوار برای سرکوب انقلاب به عمان گسیل شدند. وظیفه این نیروهای اشغالگر عمدتاً "نابودی انقلاب عمان بود هر چند که در جریان امر ارتش مهاجم بدنبال کسب تجربیات نظامی برای سرکوب جنبش های آزادیبخش ایران و منطقه نیز بود.

نیروهای شاه مزدور تهاجم خویش را از دو نقطه آغاز کردند: گروهی شمال را از "سلاله" به سوی مناطق مرکزی و گروهی دیگر در جنوب از صحرا تا کوهها را درهم کوبید و با کمک اسکا درانهای هلیکوپتر شش موضع در طول خط سرخ برای بستن راه ارسال مهملات به ظفار بوجود آوردند بستن این راه نتوانست پس از گذشت ^{یکماه} نبرد که در جریان آن تعداد زیادی از نیروهای شاه کشته شدند، کاملاً تحقق یابد و این خودروهای ارتش شاه بود که در جریان عبور از این جاده دائماً "بوسیله مین ها انقلابیون

منفجر میشدند. شاه مزدور که نخست حضور سربازانش را در -
ظفار انکار می نمود به یاره گوئی درباره پیروزیهای که
در تسخیر جاده "سلاطه - مسقط" کسب کرده بود پرداخت. دستگاه
- های تبلیغاتی رژیم شاه، نیروهای جبهه آزادیبخش را
گروهی خرابکار و قاتل می نامیدند.

در صحنه جهانی مواضعی که در قبال این تهاجم همه جانبه
و وحشیانه گرفته شد قابل تعمق است. اتحاد شوروی با سکوت
خود در مقابل حملات و کشتار خلق عمان عملاً "موضع انفعالی
اختیار کرد و دولت چین ضمن قطع کمک نظامی به انقلاب عمان
سراسیمه به پشتیبانی از رژیم شاه پرداخت و از سیاست
"مستقل و ضد امپریالیستی" رژیم شاه حمایت نمود.

دولتهای تونس، الجزایر، کویت، مصر و سوریه در سال ۱۹۷۳
در پیشنهادی که توسط کویت ارائه شد آشتی جبهه آزادیبخش
را با حکومت عمان عنوان کردند. جبهه آزادیبخش شرایط زیر را
برای آغاز مذاکره مطرح کرد:

لغو کلیه قراردادهای محرمانه با انگلستان، ایران و
اردن؛ برچیدن کلیه پایگاههای نظامی؛ خروج تمامی نیروها
ارتش شاه؛ ایجاد رژیم دموکراتیک و ملی؛ برنامه ریزی
برای بسط اقتصاد ملی و پیروی از سیاست بین المللی عدم
تعهد.

جبهه خلق برای آزادی عمان بدنبال یورش نظامی -
امپریالیزم متحمل شکست نظامی موقت شد. جبهه با ادغام
شیوه های متفاوت مبارزه بدست آوردهای نوینی از سازمان -
دهی هسته های مخفی و علنی برای جلب توده ها و گسترش هر
چه بیشتر مبارزه مسلحانه دست یافت. این دست آوردها
افق مبارزه خلق عمان را برای ایجاد جامعه ای عاری ازستم
و استثمار روشن میکند. با ایمان به پیروزی خلقها
سازمان دانشجویان پیشگام

تحلیل طبقاتی جامعه عمان

=====

تلاش امپریالیزم انگلیس برای انهدام اقتصاد عمان
طی دو قرن اخیر، رکود اقتصادی پایداری را در جامعه ما پدید
آورد. پس از فلج کردن کامل تجارت و کشتی رانی،
امپریالیزم با تحت فشار نهادن دهقانان، آنان را وادار -
به مهاجرت اجباری به دیگر نقاط خلیج نمود. همزمان با این
عملکرد، هزاران تن از ماهیگیران عمانی در بدترین شرایط
عقب ماندگی، وابسته به طبیعت، به زندگی خویش ادامه
دادند.

خلق ما بدفعات در برابر امپریالیزم انگلیس و نقشه های
که هدفی جز تلاش برای عقب نگذاشتن جامعه نداشت، طغیان
کرده است. با آغاز انقلاب عمان در ژوئن ۱۹۶۵، که حامل
خطر جدی برای استراتژی امپریالیستی و انهدام جامعه عمان
بود، امپریالیزم خود را ملزم یافت تا با اعمال سیاست
"درهای باز" برای جلب سرمایه های بیگانه، همگام با
ارائه ثروت های طبیعی مان به غارتگران امپریالیست،
جامعه عمان را بدل به بازار مصرفی گسترده ای سازد. اعمال
اینگونه برنامه های اصلاحی از ۱۹۷۰ به بعد تغییرات

فاحشی را در جامعه عمان بدنبال داشت. اما این دگرگونی ها نتوانست تغییری در ماهیت طبقاتی جامعه، که رژیم، با فریب خلق تلاش در کتمان آن میکرد بوجود آورد. کوشش رژیم برای نشان دادن خویش بمثابه رژیمی که در جهت خواست های مردم گام برمیدارد و از این رو مردم باید گوش بفرمانش باشند، بی ثمر گشت. نیروهای جدید طبقاتی "کاملاً" به تضادی که اینان در برابر امپریالیست ها صاحب منصبان فتوئدال و کارگزاران شرکت های انحصاری قرار میدهند واقفند. هرگونه تلاش برای پرده پوشی این تضاد در حال انکشاف، بی ثمر خواهد بود.

شناخت ماهیت طبقاتی جامعه و نیز نیروهای طبقاتی خلق، اهمیتی بسزا دارد. باید دانشمان را از دشمنان انقلاب، ارتقا دهیم. از آنجا که ارائه چنین تحلیلی از جامعه عمان برای نخستین بار است که صورت مییابد و نیز نبودن آمار انسانی موثق کارمان بدون اشکال نبوده است. حکومت پوشالسی سلطان قابوس، بزعم خود تلاش میکند با کتمان حقایق از رسوائی عدم تحقق قول و قرارهایی که بمردم میهن ماداده است، جلوگیری کند.

طبقه کارگر

=====

اولین گروه کارگران عمانی بدنبال ورود شرکت های نفتی (شرکت توسعه نفت (عمان) با مسئولیت محدود (پ . د . ا) ، و شرکت خدمات شهری با مسئولیت محدود) در دهه ۱۹۵۰ پدید آمد. این شرکت ها برای تهیه نیروی کار به قبایلی که در

اطراف میدان های نفتی میزیستند روی آوردند. در مسورد شرکت پ . د . ا ، که اکثر کارگران از قبایلی " دورو " و " جاناب " بودند ، حکومت اختیار تهیه نیروی کار را به روه سای قبایل واگذار نمود . در عمل واگذاری این اختیار آنچنان قدرتی به رهبران این قبایل داد که با اعمال آن بر کارگران از هرگونه حرکت اعتصابی که بعنوان اعتراض به استثمار این شرکت ها بود ، جلوگیری میکردند. شرکت های نفتی و تاءسیسات از کارگران عمانی برای کارهای غیر تخصصی استفاده میکردند و کارگران اروپائی و هندی را به کارهایی که محتاج مهارت بود می گماشتند . این خود موجب برانگیختن فزاینده حرکات اعتراضی در میان کارگران عمانی گشت . شرکت ها ، با بخدمت گرفتن تکنولوژی پیشرفته در حفـر ، استخراج و دیگر بخش های تولید نفت ، خواهان کاهش استفاده از نیروی کار بودند . این خود سبب تقلیل امکان مهارت یابی برای کارگران عمانی شد و در نتیجه شرکت های بیگانه را قادر ساخت که ضمن بردن سودهای سرشار ، وابستگی فزاینده خود به کارگران متخصص خارجی را نیز توجیه کنند .

شماره کارگران عمانی با بقدرت رسیدن سلطان قابوس در سال ۱۹۷۰ سزیمافزایش یافت . این افزایش سریع نتیجه ناگزیر سیاست جلب سرمایه و شرکت های بیگانه و اعطای امتیازات چشمگیر به آنها بود . کارگران عمدتاً " از منابع زیرتامین میشدند :

۱- کارگران عمانی که بعد از سرنگونی سعید بن تیمور ، از امارات خلیج عربستان سعودی و امارات متوالحه * به * نام پیشین " امارات متحده عربی "

سلطنت نشین عمان مراجعت کرده بودند . این کارگران ماهر و نیمه ماهر (کارگرساختمانی ، مکانیک ، دستیار فنی) عمدتاً از اهالی سواحل شرقی و جلگه عمان بودند . در ایام دوره تجمع های کارگری ، باریشه های بشدت مختلط قبیله ای پدید آمد که بویژه آنرا در مناطق کارگرنشین " روئی " ، حومه مسقط میتوان یافت .

۲- کارگرانی که پیشه سابق خویش (کشاورزی - ماهیگیری و چوپانی) رارها کرده و از جلگه عمان یا ظفار آمده اند . نکته ای که باید در مورد هجوم این کارگران به شهر (پایتخت و حومه اش) گفت ، این است که اینان پیش از روی آوردن به شهرها اقوال استعمارگران را دال برای جاد کارورفاه بیشتر برای عمانی هاشنیده بودند ، ولی اثری از تحقق آن در روستاهای محل سکونتشان نمی یافتند . هجومشان به شهرها دقیقاً " برای ردیابی عملکرد این اقوال بود . این هجوم موجب پدید آمدن مسائلی چون تراکم فزاینده جمعیت و افزایش بیکاری همراه با ارتقاء آگاهی ملی شد . قیام کارگری سپتامبر ۱۹۷۱ تبلور پیوند این دو گروه از کارگران بود .

۳- کارگران خارجی - هندیها - اوگاندائیهای آسیایی الاصل - پاکستانی ها - ایرانی ها و دیگران - که از طریق تبلیغات دولتی و شرکت های کاریابی جلب گشته اند . اکثریت این گروه برای اشتغال در کارهای تاسیساتی ، راه و ساختمان سازی به عمان آمده و رقابت تهدیدکننده ای را با کارگران عمانی پدید آوردند . در زمان سلطنت سعید بن تیمسور ، شرکت های کاریابی با واردات این گونه کارگران و پرداخت

دستمزدهای بالاتر ، در قیاس با کارگران عمانی وفاداریشان را تضمین مینمودند . اینک این کارگران نیز بخاطر دریافت دستمزد ناچیز و زندگی تحت شرایط طاقت فرسا به حرکات اعتراضی دست زده اند .

آمار تقریبی که در سال ۱۹۷۱ دولت در مورد کارگران شاغل در بخش های دولتی و شرکت ها انتشار داده است از این قرار است :

عمـمانی ها

کارکنان کشوری ، مربیان ، تکنیسین ها	۳۳۰ نفر
کارگران ماهر (مهندس الکتریک ، بخار و غیره)	۹۱۵
کارگران نیمه ماهر (از قبیل وردست برق کار)	۱۲۶۶
کارگران غیر ماهر (مستخدمین و کارگر ساده)	۷۱۴۸
جمـمع	۹۶۵۹

کارگران خارجی

کارکنان کشوری ، مربیان ، تکنیسینها	۱۱۶۲ نفر
کارگران ماهر	۱۰۳۵
کارگران نیمه ماهر	۴۴۰
جمـمع	۲۲۳۸

توزیع تراکم کارگران در شرکت ها و موسسات از این قرار است :

پ. د. ا. و شرکت های وابسته :

کارگران عمانی
کارگران خارجی

۳۰۲۰ نفر
۸۳۲

۳۸۵۲

جمع

شل ، کابل وی بی سیم ، تجارت ، سوداگری هتل :

کارگران عمانی
کارگران خارجی

۱۰۲۰ نفر
۶۹۰

۱۷۱۰

جمع

شرکت های مقاطعه کاری :

کارگران عمانی
کارگران خارجی

۵۵۱۹ نفر
۳۱۴۷

۸۶۶۶

جمع

دستگاه دولتی (بااستثنای ارتش و پلیس)
مستخدمین - رانندگان تاکسی - مغازه داران
کوچک

۲۸۰۷ عمانی

۳۵۰۰ عمانی

بنابراین مجموع کارگران عمانی ۱۵۰۲۳ نفر است .
شماره کارگران صنعتی ۹% کل نیروی کار را تشکیل میدهد . که
در پ. د. ا. و شرکت های مقاطعه کاری ، شرکت های ساختمانی
و دیگر موسسات خارجی اشی که در عمان بکار مشغولند . توزیع
گشته اند .

دستمزدها (بر حسب ریال سعودی)	ماها نه از	تا
کارگر غیرماهر	۲۲	۳۶
کارگر نیمه ماهر	۲۹	۵۰
کارگر ماهر	۳۸	۸۶
کارمند ، مربی کارکنان شاغل دولتی :	۸۰	۱۶۲
دکتر ، مهندس	۱۵۰	۳۰۵
دستیار دکتر ، معاون مدیر	۹۰	۱۹۰
کارمند اداره ، منشی	۴۰	۱۰۰
کارمند رادیو ، راننده جرثقیل	۲۵	۵۲/۵
کارمند جزء ، نظافتچی ، مستخدم منزل	۱۵	۲۰

مراکز عمدهء تجمع کاری عبارتند از :

- ۱- کارگران شاغل و بیکار با کمیتی در حدود ۱۲۰۰۰ نفر ،
در مناطقی چون " روشی " ، " واریه " ، " ازبیا " متمرکزند
- ۲- گروهی از کارگران بدنبال پروژه های ویژه ای که
در حال پیاده شدن است ، در مناطقی چون " سور " ، " ریسوت " و
" بنها " متمرکز گشته اند . این پروژه ها بغیر از طرح گسترش
بنادر " مسقط " مطرح است که دولت مجری آن میباشد .

- ۳- کارگران نفت ساکن " النهور " و " جبیل " اند .
- ۴- تعدادی از کارگران که بکارهای فصلی - جاده سازی و ساختمانی - اشتغال دارند .
- ۵- کارگرانی که در پایگاههای نظامی انگلیس در " میسره " سلاله " ، " بیت الفتح " و دیگر نقاط مشغول کارند .

خواست های کارگران:

آنچه که بیش از هر چیز حکومت استعمارگر را بهراس انداخته ، تمرکز بی حد کارگران در " روئی " است . هر حرکت کارگری - هر چند محدود ، در این منطقه ، یادآور - قیام روزهای پرشکوه سپتامبر ۱۹۷۱ است . تمرکز بسیار کارگران ، محققین انگلیسی‌اشی را که برای بررسی موقعیت اقتصادی عمان به اینجا آمده‌اند ، به دریافت خطرات این شکلگیری کارگری وادار ساخته است . اینان معترفند که این تمرکز میتواند بدل به مراکزی برای شورش کارگری و پایگهی برای انقلاب گردد .

بسیاری از کارگران برای ماهها در محدوده " روئی " با بیکاری در حالی دست‌بگریبانند و این در حالی است که شرکتهای خارجی به واردات کارگران خارجی برای تضمین تولید " بی‌دردسر " مشغولند . این شرکتها از طریق خرید نیروی کار کارگران خارجی سودهای کلانی به جیب می‌زنند . کارگران در " مهور " و " سه الملیح " بارها به شرایط رقت‌آور زندگی خویش اعتراض کرده‌اند . در این حرکات اعتراضی کارگران بیکار و شاغل خواست‌های خویش را که

عمدتاً " از این قرار است ، مطرح نموده‌اند :

- ۱- افزایش دستمزد : بمثابه راه مقابله با مسئله استثماررتبه‌کارانه و افزایش نامعقولانه هزینه زندگی -
- برابری از لحاظ داشتن امتیازات با کارگران خارجی .
- ۲- مسکن
- ۳- آموزش مهارت
- ۴- حل مسئله ارتباطات و شرایط توان فرسای کار .
- ۵- بیمه ، تعطیلات ، مزایا ، ترفیع
- ۶- داشتن تشکل های کارگری : حق تشکیل سازمانهای کارگری ، کمیته‌های کارگری ، اتحادیه‌های کارگری .
- ۷- برخورداری از حقوق دمکراتیک : آزادیهای عمومی پایان دادن به ترور پلیسی و سازمانهای اطلاعاتی ، تدوین قانون کارگری که حامی منافع کارگران باشد ، پایان دادن به بهره‌گیری نامحدود و توان فرسای نیروی کار .
- ۸- حقوق ملسی : ستمی که کارگران متحمل اند - پیوند نزدیکی با ستم ملی دارد . شرکت‌های نفتی ، شرکت های بیگانه و مقاطعه کاران ، همانطور که در ذات - استعمار نو است به غارت و استثمار بی حد کارگران پرداخته‌اند . کارگران بدرستی دریافته‌اند که نابودی - سلطه استعمار بر کشور ، محو ستم طبقاتی بر اینان را نیز به همراه دارد . طبیعتاً " این به معنای محو حضور نظامی بیگانگان و برجیدن پایگاههای نظامی شان نیز می باشد .
- دهقانان " جلیل اختر " دهه ۱۹۵۰ ، سیاست‌جا برانه استعماری مبنی بر عدم

باب مسندام	۴۰۰ هکتار
ظفار	۸۰۰ "
جمع	۳۷۰۲۰ "

مساحت عمان تقریبا " برابر است با ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع . ۶۵% جمعیت به کشاورزی اشتغال دارند . با وجود در صد نسبتا " ناچیز زمین های قابل کشت ، ۶۵% جمعیت از طریق کشاورزی امرار معاش میکنند . بعلاوه ماهیگیران " بتینه " ، " سور " و " باب مسندام " نیز معیشتشان به کشاورزی وابسته است .

موقعیت دهقانان

بخاطر ساخت قبیلہای جامعه ، دهقانان بروی زمین های قبیلہ شان که تحت مالکت جمعی (قبیلہای) است ، کار میکنند . در زمان سعیدبن تیمور ، بخشی از زمین های ساحل " بتینه " و " دشت " سلاله " تحت مالکیت فتودالی قرار داشت . اکثر دهقانان قادر به اثبات حق موروثی خویش بر زمین نبودند . در نواحی ای که کشت فصلی صورت میگیرد ، مثلا " کشت بارانی در ظفار ، مالکیت خصوصی بر زمین معمول نبود . پیش از انقلاب ۱۹۶۵ ، هر دامداری حق داشت ، هر مقدار از زمین های قبیلہاش را که میخواست در فصل باران بزیر کشت ببرد . انقلاب نقطه پایانی بر مالکت قبیلہای بود . انقلاب حق تعلق زمین به خلق را به رسمیت شناخت .

تشویق کشاورزی و ایجاد رقابتی نابرابر بین محصولات — کشاورزی داخلی و تولیدات خارجی منجر به نابودی زندگی بسیاری از دهقانان شد . مزید بر این ، کشف منابع نفتی در شیخ نشینها نیز دهقانان را متقاعد به ترک کشور و مهاجرت به سواحل افریقای شرقی نمود . خط مشی ارتجاعی کنونی نیز ، با عدم توجهی که به کشاورزی دارد ، هنوز بعنوان محرکی برای راندن دهقانان بسوی اشتغال دررشته دیگر ، عمل میکند . حاصلخیزی زمین از منطقه ای — منطقه دیگر متغیر است . "جلان " شرقی نسبتا " حاصلخیزتر از دیگر بخشهای عمان است . بخش اعظم جلگه عمان قابل کشت است . ولی دولت توجهی به کشاورزی در این مناطق ندارد نواحی چون " جیلات الہریس " ، " الجزیر " و " عرب " " جیل ال اختر " (رب الخالی) نیز این جمله اند مناطقی که در آنها هیچگونه تلاشی برای آبیابانی و پیشرفت عمومی ، بعمل نیامده است .

بر اساس آمار رسمی ، مساحت زمینهای قابل کشت ، بتقریب از این قرار است :

البتینه	۱۴۵۵۶	هکتار
البوریمی	۵۶۷	هکتار
الزحیره	۳۶۳۶	هکتار
الحجر غربی	۳۸۸۴۲	"
الحجر شرقی	۳۴۴۲	"
عمان مرکزی	۹۹۴۶	"
الشرقیه و جلان	۲۸۳۱	"

قابوس پس از رسیدن بقدرت، فرمانی دال بر —
مصادره زمین های دهقانی صادر کرد . فرمانی که ارائه —
مدارک لازم را شرط ضروری به رسمیت شناختن مالکیت دهقان
بر زمین ، میدانست . زمین های بسیاری از دهقانان
بخاطر عدم ارائه چنین مدارکی، مصادره شد . و این در —
حالی بود که شیوخ قبایل بخش اعظم زمین های قابل کشت
را به تصرف خود در آورده بودند .

شیوخ قبایل با بهره گیری از قدرت قبیلہ ای خود
بسیاری از دهقانان را از زمین هایشان راندند . در جریان
مصادره زمین های دهقانی ، رژیم برای کسب منافع بیشتر
برای فئودالها ، مالکیت قطعات کوچکی از زمین را در ازاء
مبلغی که طی چند سال قابل پرداخت بود . به دهقانان فقیر
واگذار کرد . این عمل نه تنها حاکمیت رژیم و فئودالها
را بر دهقانان تضمین می نمود بلکه هر گاه دهقانان در اثر
فقر قادر به باز پرداخت بهای زمین نبودند ، زمین هایشان
مصادره میشد . بخاطر اعمال این چنین قوانین ظالمانه و نیز
تخصیص بهترین زمین های کشاورزی به شرکت های خارجی
شماره کارگران فقیر کشاورزی و دهقانان شدیدا " افزایش
یافت .

در نواحی غربی کشور ، اکثر دهقانان با مهاجرت خود
موجد کمبود نیروی انسانی کشاورزی گشتند . در نتیجه —
دهقانان قادر گردیدند ، نیروی کار خویش را به معرض فروش —
گذاشته و مالکین زمین را ملزم به پرداخت مزد کنند .

دهقانان در عمل این حق را کسب کرده اند که با سهم شدن در $\frac{1}{5}$
محصول و یادریافت مزد به کشت سبزیجات یا حبوباتی که خود
میخواهند پرداخته و بدون دخالت مالک آنرا به بازار عرضه
نمایند . هرگاه محصول ناچیز باشد ، دهقانان یا بطور نیمه
وقت روی زمین خویش بکار میپردازد و یا با ترک کامل زمین خود
بروی زمین دیگران کار میکنند . درآمد سالانه دهقانان بین
۱۵۰ - ۱۲۰ ریال در نوسان است . دهقانان در کوهها با شرایطی
که متفاوت از شرایط غالب در شرق کشور است روبرویند . در —
کوهها دهقانان دیگر بطور جمعی مهاجرت نمیکنند ، بنا بر این
مالکین زمین بسادگی قادر به یافتن نیروی کار و در نتیجه —
کنترل آن هستند .

دهقانان " البتنیه " و نواحی مرکزی : در زمان سعید
بن تیمور ، در برخی از نواحی مرکزی دهقانان قادر به باز
گشت به سرزمین های اجدادی خویش نبودند . آنان از کار در —
اتش و شرکتهای متع شده و در نتیجه ملزم به کشاورزی بودند .
این گونه دهقانان را به سه گروه میتوان بخش کرد :

۱- دهقانان فقیر :

(الف) - سهم بران که $\frac{1}{5}$ محصول ، امیبرند . اینگونه
دهقانان ملزم به آبیاری و آماده نمودن زمین اندونیمی از
هزینه کودرانیز باید پردازند . در مناطقی که خرما —
محصول عمده را تشکیل میدهد ، در صورتی که نخل بیش از دو —
شاخه خرما بدهد ، دهقان حق تصاحب یک شاخه آنرا دارد . ولی
اگر محصول هر درخت دوشاخه یا کمتر باشد ، یا محصول بفروش —
نرود و یا دچار آفت زدگی شود ، حقی به دهقان تعلق

مالکیت زمین های کشاورزی

۱- مالکیت دولتی که بصورگوناگون اعمال میشود :

الف- زمین هائی که در مالکیت دولت است و درآمد آنها به دولت تعلق دارد . دهقانان بصورت سهم بریا کارگرمسزد بگیر روی اینگونه زمین ها کار میکنند . وقت برداشت محصول بازرسان دولتی برای ارزیابی محصول و تملک آن حاضر میشوند . ب- زمین های وقفی : حکمرانان محلی با انتصاب مسئولی برای اینگونه زمین ها . حق بهره برداری از زمین وقفی را دارند . روی این زمین ها معمولاً سهم بران کسار میکنند .

۲- سرمایه گذاری بروی زمین :

بعد از بقدرت رسیدن قابوس ، شرکت های بیگانه برای دست نهادن بروی زمین های کشاورزی و استثمار آن هجوم آوردند بیشتر این شرکت ها امریکائی هستند . یکی از اینها شرکت انحصاری " بنگاه خوراک ماشینی " است که یک شرکت بزرگ امریکائی است و حوزه فعالیتش جهان سوم است . این شرکت با قراردادی شش میلیون دلاری در صدد اجرای برنامه " توسعه " کشاورزی در عمان است . این برنامه شامل تهیه خرما مرکبات ، درخت ، سبزیجات و دامداری است . شرکت مذکور به ایجاد بازاری ، نیروی کار و مدیریت و همچنین تاسیس دو کارخانه خرما پاک کنی در " نیزوا " و " روستاک " اقدام نموده است . انعقاد قرارداد ایجاد دو مزرعه نمونه در " سلاله " و " البتینه " و یک مزرعه نمونه برای پرورش مرکبات ، از

نمی گیرد . در فصل کشت ، برخی از مالکین با استخدام کارگر اضافی به دهقانان سهم بر کمک میکنند . معیشت دهقانان این گروه فقط بسته به کشاورزی نیست ، بلکه چوبیابی جمع آوری عسل و کارهای متفرقه دیگر را نیز شامل میشود .

(ب) - برخی از دهقانان روی قطعه زمین کوچک خودکار میکنند . از آنجا که زمین خودشان تکافوی نیازشان را نمیکند ملزم به کارمزدی یا سهم بری روی زمین دیگران نیز هستند . (ج) - کارگران کشاورزی که در " البتینه " متمرکزند و درازاء فرد برای مالکین کار میکنند .

(د) - بردگی روی زمین ، بویژه در " البتینه "

اینان از ابتدائی ترین حقوق انسانی محرومند .

۲- دهقانان میانه :

اینان مالک قطعه زمینی هستند که برای کشت در آن احتیاج به تعدادی کارگزار دارند . خود اینان نیز روی زمین کار میکنند . این گروه دهقانان را در اکثر مناطق میتوان یافت .

۳- دهقانان مرفه :

شیوخ قبایل در " البتینه " و اطراف " جبل ال اختر " از این گروهند . اینان مالک زمین های بزرگی اند و از ماشین شخم زنی و خرمن کوبی (این ماشین ها در مالکیت دولت است ، و دولت در برابر ساعتی یک ریال آنها را اجاره میدهد) نیز استفاده میکنند . کارگران و سهم بران روی زمینهای این گروه از مالکین کار میکنند .

دهقانان سهم بران در فصول بلازده ، بدلالی که فوقاً اشاره شد ، زیانهای فراوانی را متحمل میشوند و از این رو - ترجیح میدهند که کارگرمزد بگیر باشند .

دیگر فعالیت های این شرکت است . بجز این شرکت ، شرکتهای انگلیسی دیگری نیز با فعالیت های نظیر کشت موز ، تهیه شکر و میوه در " بتنیه " و جلگه عمان به غارت مشغولند .

۳- بزرگ مالکان

مالکین فئودال از طایفه ال بوسعید و دیگر شیوخ قبایل این گروه را تشکیل میدهند . قابل کشت ترین زمین ها ، بویژه در " البتینه " متعلق به این گروه است . بیگانگان و بزرگان نیز بعنوان هدیه ، قطعات بزرگ زمین را از سلطان گرفته اند که با اجاره کردن کارگر کشاورزی به کشتشان مشغولند .

۴- خرده مالکان بزرگ

مالک زمین خود به همراه تعدادی کارگر فصلی بخصوص در فصل خرما - روی زمین کار میکند . اینان را عمدتاً " در " جلان " و " جبل الختر " میتوان یافت .

۵- خرده مالکان کوچک

این گروه از خرده مالکان را در دشت " سلاله " و " بتینه " و بیشتر مناطق حاصلخیز میتوان یافت . پس از صدور فرمان مالکیت زمین های کشاورزی از طرف قابوس که بموجب آن عمانی ها حق تملک زمین را یافتند ، دهقانان تحت فشارهای زیرین قرار گرفتند :

الف - دولت به شرایط زیست ، بهداشت و آموزش اینان توجهی ندارد .

ب - استثماریه کارانه دولت : دولت با بهره گیری از انحصار ماشین آلات کشاورزی اولویت استفاده از ماشین را به

دهقانان مرفه و مالکین فئودال میدهد .

ج - بی اعتنائی کامل دولت به مسئله بازاریابی که منجر به نابودی محصولات بویژه مرکبات میشود . بازرگانان که اکثراً " مسقطی هستند ، کنترل بازار خرما را در دست دارند .

ه - آفت زدگی گسترده محصولات کشاورزی

و - نبودن شرکت های تعاونی که با ارائه بذر ، کود ، لوازم کشاورزی و بازاریابی به حمایت از دهقانان فقیر - بیپروا زند .

ز - جهالت دهقانان که بهره گیری شان از ابتدائی ترین شیوه های شخم زنی منتج به بارآوری محدود محصولات کشاورزی میشود .

ح - انباشت بدهی دهقانان را بیشتر مقروض میکند در نتیجه اینان مجبور میشوند محصول خود را به قیمت ناچیز به سلف خرما بفروشند . اگر دهقان قادر به بازپرداخت بدهی اش نباشد ، عقوبتی سخت در انتظارش خواهد بود (اگر دختری دارد ، دختر را باید به ازدواج سلف خرید آورده در غیر این صورت زمین اش بعنوان بازپرداخت بدهی صادره خواهد شد) .

تردیدی نیست که ستم روا شده به دهقانان ، ناشی از - عملکرد سیاست های ظالمانه انگلیسی ها و رژیم ال بوسعید است . قشر حاکم با در اختیار گرفتن لوازم کشاورزی بذر ، کود و ماشین آلات سودهای کلان به جیب میزند . دهقانان فقیر را راهی به قشر حاکم نیست ، در صورتیکه دهقانان مرفه و زمین داران فئودال بارشوه دادن به مقامات دولتی از

امکانات وسیع دولتی بهره می‌گیرند. روابط قبیله‌ای، تضاد بین دهقانان فقیر و مرفه را پنهان می‌کند. ساخت قبیله‌ای مانع این می‌شود که دهقانان فقیر، فئودالها و دهقانان مرفه را بمثابه دشمن طبقاتی خویش ببینند. کینه و نفرت دهقانان فقیر مستقیماً متوجه انگلیسی‌ها و خاندان ابوسعید است.

ماهی‌گیران

=====

خلیج عمان و دریای عرب یکی از غنی‌ترین نقاط ماهیگیری جهان است. شرکت‌های بین‌المللی ماهیگیری از طریق همکاری با رژیم ارتجاعی، امتیاز غارت ماهی را در این حوضه کسب کرده‌اند. اکثر ساکنان ساحلی را، از ظفار گرفته تا باب‌منده ماهیگیران تشکیل می‌دهند. برخی از اینان به کشاورزی موسمی نیز می‌پردازند. ۲۵۰۰۰ ماهیگیر عمانی را به گروه‌های زیر می‌توان تقسیم کرد.

۱- ماهیگیران تهی دست: اینان که اکثریت ماهیگیران را تشکیل می‌دهند، با استفاده از "هوری" (قایق کوچک) که تحت مالکیت یک یا دو نفر است، از صبح تا شب به ماهی‌گیری مشغولند. ماهیگیران تهی دست قادر به ماهیگیری در دریای آزاد نیستند و محدود به فعالیتشان در کناره‌های ساحلی است. اکثر این ماهی‌گیران محروم و بویژه کسانی که از مناطق محصور بین "سور" و "جزیر" می‌آیند، از قایق‌های کوچکی که "کروب" نام دارد و

برای ماهیگیری در کناره‌های ساحلی مناسب است نیز استفاده می‌کنند. این گروه از ماهیگیران درازاء کارشاق و تحمل خطرات دریا و کوسه‌ها، بهره‌ناچیزی می‌برند.

۲- ماهیگیران میانه حال: تعدادی از ماهیگیران صاحب کرجی موتوری اند که با استفاده از آن قادر به رفتن به دریا و صید ماهی بزرگ می‌باشند.

۳- ماهیگیران مرفه: بروی کرجی‌های موتوری این گروه، ماهیگیران دیگر نیز کار می‌کنند. خریدار صیدهای اینان بازرگانان و شرکت‌های ماهیگیر می‌باشند. تضادهای متعددی بین سه گروه فوق‌الذکر وجود دارد. دو گروه آخری با تحت فشار نهادن ماهیگیران فقیر، حوزه فعالیت آنان را به آبهای ساحلی محدود کرده‌اند. این دو گروه با پخش تور در قلمرویی که از نزدیکی ساحل تا آبهای دور امتداد می‌یابد به صید ماهی‌های کوچک و بزرگ می‌پردازند. تردیدی نیست که ماهیگیران فقیر از جمله عناصری‌اند که تحت بیشترین ستم‌ها قرار دارند. اینان ناایمن در برابر خطرات دریا قرار دارند. دولت هیچگونه توجهی به وضعشان ندارد. در خور توجه است که رژیم ارتجاعی بخش ناچیزی از بودجه سال ۱۹۷۱ را به گسترش منابع ماهیگیری اختصاص داده است. فقط با اتحاد درونی است که این گروه قادر به حفظ و بهبود شرایط کار خویش، دسترسی به لوازم و نیاز، ارتقاء سطح بهداشت و آموزش خود خواهند بود. و از آنجا

که ستم طبقاتی‌ائی که اینان متحمل‌اند ناشی از حضور استعمار ورژیم ال بوسعید است، فقط انقلاب قادر به حل معضلاتشان می‌باشد و بس .

ملوانان

استعمار انگلیس نقشی عظیم در نابودی کشتیرانی و بازرگانی دریائی عمان داشته است . نابودی بازرگانی دریائی عمان در قرن نوزدهم همزمان با ورود شرکتهای انگلیسی و هندی (شرکت‌گری مک‌کنیز آی . بی . آی) بود . در جریان این امر بازرگانان هندی به نفوذ خویش در مسقط افزودند . از آنجا که دیگر حمل و نقل با کشتی‌های چوبی مقرون به صرفه نبود، ورود شرکت‌های کشتیرانی بین‌المللی، کاهش کمی ملوانان و بازرگانان دریائی را بدنبال داشت . بعدها این کاهش کمی، بیخاطر سلطه بیگانه شرایط طاقت‌فرسای کار و خطرات دریا، تسریع گشت . پی‌آمد این کاهش سریع نیاز به نیروی کار در این رشته بود . اما بخاطر عدم توازن بین دستمزد و هزینه زندگی رغبتی بکار در این رشته بچشم نمی‌خورد . ملوانان از نداشتن لوازم سنگین دریائی، ناکافی بودن ارتباط با خشکی و عدم وجود ملزومات ایمنی در رنج‌اند . رژیمن ارتجاعی از پشتیبانی‌ای که این گروه بصورت حمل و نقل مبارزین از انقلاب میکنند سخت بهراس افتاده است . فشار بروی ملوانان فزاینده است رژیمن

با صدور فرمان جابرانه اوائل ۱۹۷۳ مبنی بر منع آمد و شد کشتی‌ها به سواحل جمهوری دموکراتیک یمن، منافع ملوانان را بخطر انداخته است . ملوانان را به گروه‌های زیر می‌توان بخش کرد :

- ۱- مزدبگیران اینان تحت شرایطی که ناخدا مقرر میدارد با مزد ثابتی که در آغاز فصل میگیرند بکار اشتغال دارند . اگر ملوانی پیش از پایان آمدن فصل کشتی را ترک کند ملزم به بازپرداخت دستمزد دریافتی خواهد بود . نظام کارانه‌ای وجود ندارد . بیکاری در فصل باران ملوانان را تهدید میکند .
 - ۲- ناخداها : اینان از دو بخش تشکیل میشوند . گروهی که ناخدای قایق خود هستند و گروهی دیگر که بروی قایقهای دیگران کار می‌کنند .
 - ۳- بازرگانان : اینان نیز از دو بخش تشکیل شده‌اند، کسانی که خود بروی قایق خویش بکار می‌پردازند و بخشی که صاحب چند قایق‌اند . این بخش شامل ارتجاعی‌ترین عناصر بازرگانان دریائی است .
- بانگرشی ویژه باید از خواست‌های ملوانان در جهت بهبود وضع زندگی‌شان پشتیبانی نمود .

دامداران

این گروه را در "جیدات ال‌هیریس"، "الجزیر"، "کوه‌های جلان"، "ظفار"، "الدورو" و دامنه‌های غربی "جبل‌الختر" میتوان یافت . دامداران به دو بخش کوچ‌نشین و ساکن تقسیم میشوند . دامداران

ساکن درکوهها زندگی می‌کنند، در حالیکه کوچ نشین ها دا -
"ثما" در پیرامون دامنه ها در حال حرکتند. دامداران از سطح
زندگی بسیار پائینی برخوردارند غذای اصلی شان - قهوه خرما،
شیر و ندرتا "برنج است. دارائی شان محدود است به گوسفند،
بز و شتر.

۱- کوچ نشین ها : تحرک کوچ نشین ها مطلقا " وابسته به شترها
وبزها یشان است. اینان عمدتا " در مناطقی چون " الفهور"
و "برسیس" زندگی میکنند و با استفاده از درختان برای خود
پناهگاه میسازند. کوچ نشین علاقهای به مالکیت زمین نشان
نمیدهد، در حقیقت برای او مالکیت زمین مفهومی ندارد. برخی
از کوچ نشین های مناطق " الفهور " "جدات الیهین" ونواحی
غرب کشور، گهگاه به کارهای موقتی نیز که از سوی شرکتها
ارائه میشود میپردازند. مهمترین طوایف کوچ نشین، طایفه
" مشرفه " در " جلان " و "دوروجنابه " و " الواهابی " در -
" الفهور " است.

۲- دامداران ساکن

اینها که عمدتا " در حواشی " جبال اختر " و " جبل خور " زندگی
میکنند بین ۱۰ تا ۳۰۰ زاس بزدارند. سطح بالای همکاری
گروهی و نیز همگامی زنان در کار با مردان صفت مشخصه این
گروه است. حدود ۵۰۰ دامدار ساکن در دامنه های "جبل اختر"
یافت میشوند که علاوه بر دامداری، به شکار، جمع آوری میوه و
عسل نیز مشغولند. دامداران از بیسوادی، نبودن مدرسه،
بیمارستان، جاده و علاوه بر اینها از حملات مکرر و غارت حیوا -
نات و نابودی محصولاتشان توسط ارتش رنج می‌برند. ارتش -

سنتا " برای شناسائی جاده ها و مسیرها به دامداران وابسته -
است. جوانان دامدار بخاطر اجتناب از ارائه هرگونه اطلاعات
بمحص احساس حضور ارتش می‌گیرند. رژیم ارتجاعی با پخش
سلاح در بین اینان دفاع از خود و مقابله با "کمونیستها" را
تبلیغ می‌کند از اینها خواسته میشود که بمحص آنکه "کمو -
نیستها" در صدد تماس با اینان برآمدند ارتش را در جریان
امر قرار دهند. این مورد در " الجزیر " اتفاق افتاده است
رژیم همچنین با پرداخت رشوه و یا فرستادن افسران اطلاعاتی
انگلیسی واردنی که ماموریتی جز تحقیق و کشتار ندارند، -
تلاش میکند تا اینان را به انقیاد خود در آورده با این وجود،
هراس رژیم از اینها بحدی است که اجازه ساختن ساختمانهای
مستحکم را بآنان نمی‌دهد چرا که اینگونه ساختمانها براحتی
میتواند بدل به انبار مهمات شود.

خرده بورژوازی

خرده بورژوازی شامل طیف گسترده ای از گروههای اجتماعی
شهری و روستائی است. از آنجا که در صفحات پیش مورد دهقا -
نان بحث شد در اینجا بررسی خود را صرفا " محدود به خرده بو -
رژوازی شهری می‌کنیم.

۱- صنعتگران : عمان بداشتن صنایع دستی از جمله شمشیر ساز
پارچه بافی تهیه شکر که توسط گروهی کوچک از صنعتگران نجاش
میشود، مشهور است. استعمارگران با ریزش تولید کلان به جا
عمان ضربه ای کاری به صنعت کوچک زده اند. رژیم با فراموش

کردن کامل این گروه - که در عدم تمایلش در بهره‌گیری از مهارت اینان و ایجاد کار تبلور می‌یابد - شرایط طاقت فرسائی را بر ایشان خلق کرده است.

۲- دکانداران کوچک: این گروه اجتماعی طیف گسترده‌ای دارد افزایش کمی اینان بدنبال قول و قرارهای اصلاحی قابوس و گشودن درهای کشور بروی واردات سرمایه‌داری بود. پی‌آمد طرح برنامه‌های اصلاحی، تعداد کثیری از سرمایه‌داران کوچک عمانی را که از کشور مهاجرت کرده بودند و ادار به بازگشت مجدد و برپا نمودن دکانی کوچک در شهر و روستای خود نمود. اینان از سلطه بورژوازی کمپرادور و سیستم قیمت‌گذاری غیر عادلانه‌ای که مانع سودبری شان است در رنجند. در شهرکهای ساحلی دکانداران کوچک از هجوم خارجیانی که بدنبال بقدرت رسیدن قابوس صورت یافته، ناراضی‌اند. سوداگران کوچک ظفاری از تصمیم رژیم ارتجاعی مبنی بر ممانعت از ورود دامداران به شهرها برای عرضه چوب و خرید مایحتاج اساسی ناراحتند.

۳- بخش خدمات: رژیم پوشالی با بازکردن درهای کشور بروی انحصارات خارجی و واسطه‌ها برای ارضاء خواسته‌هایشان اقدام به ایجاد بارها، رستورانها، هتلها و خدمات جنبی برای ساعات فراغت استعمارگران و خائنین نموده است ایجاد خدمات شهری بدنبال با زکردن درها بروی کالاهای خارجی که بقیامت مصرف بی‌رویه ذخائر نفتی مان است صورت می‌گیرد. نابودی

تدریجی اقتصادمان این گروه را نیز متاثر نموده است. کارکنان اینگونه خدمات از تفرقه‌ای که توسط استعمارگران در رونق خلق ایجاد شده رنج می‌برند و در نتیجه نفرت شدیدی نسبت به استعمارگران و خائنین احساس می‌کنند. خائنینی که با خرج - میلیونها ریال تلاش در به انقیاد کشیدن هرچه بیشتر خلقمان دارند.

۴- کارکنان کشوری: رژیم از این گروه برای بسط دستگاه دولتی و جلب دانش‌آموختگان بهره می‌گیرد. این گروه از سلطه سررشته‌داران بیگانه (انگلیسی واردنی) لطمه می‌بیند. محتوی بر خورد رژیم با اینان، بی‌اعتمادی و ناباوری است. بویژه پس از اینکه رژیم دریافت که اکثر دانش‌آموختگان پس از مراجعت به عمان به گسترش آگاهی ناسیونالیستی در بین کارگران دست می‌زنند. این گروه نقش مهمی در تظاهرات توده‌ای ۱۹۷۲ "سور"، "روستاق" و دیگر نقاط داشته‌اند. تمام عناصر خرد-ه بورژوا، از ظلمی که توسط رژیم پوشالی و افسران اطلاعاتی انگلیسی واردنی اعمال میشود مینالند. اینان خواهان کابرد توان انقلابی و ناسیونالیستی خود در جهت خواسته‌های خلق میباشند. این گروه از ابتدائی‌ترین حقوق دمکراتیک و سیاسی محرومند و از نابودی تدریجی موقعیت اجتماعی خویش و افزایش هزینه زندگی در قیاس با کاهش درآمدشان، گله دارند. عدم توازن هزینه و درآمد، بحران اقتصادی مزمینی را درزندگی‌شان بوجود آورده است.

۵- باقی مانده روابط برده‌داری : طی سالیان دراز بازر-
گانان عمانی و خارجی با کاشاندن افریقائی‌ها به عمان و فروش
آنها به شیوخ فئودال در "جلان" و "البتینه" و نیز خاندان
حکومتگره برده‌داری را در عمان بسط دادند . از برده‌های فقیر
در کارهای خانگی و خدمت به سلطان استفاده میشد . نیاز به
برده همچنین ناشی از عدم وجود کارگر کشاورزی بود و باز-
رگانان از تجارت برده سودهای کلانی میبردند . در "سور"
شیوخ و اشراف از کارگروهی برده‌ها در کشتی استفاده می‌کردند
و در "البتینه" برده بکار روی زمین گرفته میشد .

فئودالها

بخش حکومتگر خاندان ال بوسعید و شیوخ قبایل که بستگی نزد-
دیکی با ساخت قبیله‌ای دارند، قشر فئودال را در عمان تشکیل
میدهند . این قشر اینک در جریان دگرگونی‌های است که
تضعیف و سرانجام نابودیشان را بدنبال دارد . دلایل وجود
این دگرگونی عبارتند از :

- ۱- اهمیت فزاینده‌ای که نفت و کالاهای صنعتی می‌یابند، کشاورزی را از نظر اهمیت در رده دوم قرار میدهد .
- ۲- نابودی ساخت قبیله‌ای که نتیجه عملکرد سیاست‌های جدید است . کاهش نفوذ سیاسی شیوخ قبایل در اداره کشور، پایه‌گاه اجتماعی شان را نیز متزلزل میکند . هر چند که برخی از اینان علاوه بر فعالیت‌هایی که در تهیه زمین برای

کارهای ساختمانی، خرید اتومبیل برای حمل و نقل دارند، به-
بهره‌گیری از شرایط جدید به‌گسترش زمین‌های کشاورزی پرداخته
و به دهقانان مرفه تبدیل شده‌اند . پایگاه قبیله‌ای شیوخ .
امتیازی برای دادوستد با دولت محسوب میشود .

فئودالیسم در عمان بمثابه نظام اجتماعی، روبرو ال است .
اما این لزوماً " بمعنای محور روابط ماقبل سرمایه‌داری که
در ساخت قبیله‌ای، بردگی و مالکیت قبیله‌ای بر آب و زمین -
تجلی پیدا میکند، نیست . هنوز نزاع بر سر آب بین برخی از
دامداران، امری رایج است . اما آنچه که مهم است تغییر
سیاست رژیم از کنترل با واسطه - از کانال شیوخ - به کنترل
مستقیم خلق است . این فراگرد با حاکمیت فزاینده خاندان
ال بوسعید و گرایشی که بسوی تبدیل عمان به ملک مطلقه
(فئودالی) این خاندان می‌باشد منطبق است .

بورژوازی کمپرادور

- بورژوازی کمپرادور را در عمان میتوان به سه گروه تقسیم نمود .
- ۱- بورژوازی محلی که پس از بقدرت رسیدن قابوس رشد کرده است . اینان یا بازرگانان عمانی هستند که از دومی آمده‌اند و یا بورژوازی کمپرادور محلی که پیش از قابوس، نه‌ا مکان - مهاجرت یافتند و نه امکان رشد .
 - ۲- بورژوازی بیگانه : هندی‌الاصل‌ها ستون فقرات این گروه

را تشکیل می‌دهند (مثل هگی رام داس) . اینان پیوند نزدیکی با خاندان حکومتگر و استعمارگران و نیز رابطهای محرمانه با افسران انگلیسی دارند. این گروه از طریق نظارت کامل بر تجارت داخلی و باسلطه‌ای که بر مبادله ارز، بانکها و قرار دادهای تجاری دارند، کنترل قیمتها را در دست گرفته‌اند. این طبقه دشمن اصلی خلق ما و انقلاب ماست. اینان شریک چپا و لهای استعمارگران خاندان حکومتگر هستند. قابوس و دارو دسته اش در سودهایی که اینان بجیب می‌زنند سهیمند . ورود عمان به بازار جهانی سرمایه و دسترسی بیشتر جامعه به کالاهای مصرفی، ثمره پیوند طبقاتی این گروه با استعمارگران است. شرکت‌های بیگانه نیز از طریق این عاملین بومی سودهای کلان می‌برند.

مالکین

زمانیکه رژیم قابوس قدرت را در دست گرفت و درهای جامعه عمان را بروی هجوم سرمایه خارجی گشود، مسقط پیش شرط لازم را برای پذیرش این هجوم نداشت. خرید و فروش گسترده زمین برای ایجاد ساختمان، هتل و فروشگاه بویژه در مسقط و حومه معمول گشت. این امر بعدها به "سور" و "ریسوت" نیز کشیده شد و گروهی از مالکان زمین وسفته‌بازان بوجود آمدند. پیشینه اجتماعی این گروه عمدتاً "به بورژوازی کمپرادور غیر عمانی خاندان حکومتگر و نیز بازرگانان بزرگ محلی -

میرسد. این طبقه با کنترل اجاره و همکاری با حکومت مسقط، به استثمار گسترده خلق ما دست زده است. گرایش استعماری برای جلب شرکت‌های خارجی به کشور، نیاز به خدمات و امکانات مسکونی را مطرح میکند. رژیم پوشالی و بانک‌های خارجی از این امکان چپاول نیز غافل نبوده‌اند. سهام یک شرکت ایجاد واحدهای مسکونی بدین صورت تقسیم شده است:

۳۷/۵٪ متعلق به بانک انگلیس و خاورمیانه ۲۵٪ از آن بورژوازی کمپرادور و بقیه هم برای دولت عمان محفوظ ماند.

اقلیت‌های ملی

اقلیت‌های هندی الاصل و بلوچی الاصل متعددی در عمان وجود دارند که در زمانهای پیش به عمان مهاجرت کرده‌اند. رژیم استعماری به تقسیم کشور بسنده نمی‌کند، او خواهان جدایی خلق عمان نیز هست. باین دلیل ردیلانه ترین تبلیغات را در باره اقلیت‌ها برآه انداخته است، مثلاً "به بازرگانان "خوجه" ای میگویند: عمانی‌ها شمارا به دریا خواهند ریخت، تنها راه نجاتتان پیوستن به رژیم و استعمارگران است." به بلوچها میگویند که با آزاد نمودن بلوچستان، آنها را به سرزمین مادریشان خواهند برد منتها بشرطی که اینها در کنار دولت به نبرد با "گمونیستها" برخیزند. رژیم با تشبیه انواع نیرنگ‌ها، از یکطرف میکوشد تا ستمی را که بر این -

اقلیت‌ها می‌رود پنهان کند و از سوی دیگر تلاش میکند که بر سرکوب جنبش خلق عمان به این اقلیت‌ها تکیه کند. انقلاب در قبال این اقلیت‌ها موضعی قاطع و انقلابی اتخاذ کرده است. پیام انقلابمان در این رابطه چنین است: "عمانی‌ها، دست‌هایتان را برای آزادی سرزمین‌مان از چنگال استعمار انگلیس و خاندان‌ال بوسعید، نیروهای اشغالگر ایرانی و استعمار نو، بهم بدهید. بگذار همه با هم در راه ایجاد جامعه‌ای که در آن پرچم ظفر نمون آزادی و سرافرازی در اهتزاز باشد بکوشیم".

انقلاب به نبرد با ستمی که بر خلقمان می‌رود، برخاسته. چنین است پیام انقلاب به آنهایی که به آزادی و سربلندی عمان ایمان دارند: "شما با مادر وظایف و مسئولیت‌ها سهمید. ما ایمان داریم که اقلیت‌های ملی باید از حقوق یکسان برای حفظ سنن، زبان و فرهنگ و نیز گسترش کمی خویش برخوردار باشند. استعمارگران دشمن تمامی خلق ما، از هر نژاد و گروهی اند. ره آورد انقلاب، اعتلای انسانیت و پیشرفت است. انقلاب هیچ یک از شمارانده‌به دریا می‌اندازد و نه ستمی در حقتان روا خواهد داشت. تلاش انقلاب برای زهائی تمامی خلق از چنگال استعمارگران و خائنین است. انقلاب با شوینیسیم و هر مشی که مردم را رودر روی یکدیگر قرار دهد، بمقابله بر می‌خیزد. فراخوان جبهه خلق به تمامی اقلیت‌ها

پیوستن به انقلاب برای آزادی و استقلال عمان است. خوجه‌ها: سوداگران هندی شیعه مذهب، بیش از یک قرن ونیم پیش به عمان آمدند. برخی از اینان بعداً به "خوبره"، "سهام"، "سوهار"، "سواحل متوالحه"، "بحرین" و کویت مهاجرت کردند. شماره زیادی از این سوداگران بدلیل اقتصادی و تعلقات مذهبی در بغداد و بصره سکن‌گزیدند. در مطرح، اینان برای حفظ خود و رسوم مذهبی شان دیواری بدور محله سکونیشان کشیدند. زبان خوجه‌ها که ریشه هندی دارد فقط برای بحث‌های درون گروهی مورد استفاده قرار می‌گیرد و زبان عربی بمثابه زبان مذهبی، تشریفات، شعر و ادبیات بکار می‌رود. بخاطر سابقه ممتد تاریخی، موقعیت اجتماعی خوجه‌ها دستخوش دگرگونی‌های سریع گشته است. بدلیل تعالیم مذهبی درون همسری امری نادر بود. این مورد امروزه نیز در مقیاسی پایین تر مصداق دارد. بورژوازی کمپرادور در اس سلسله مراتب اجتماعی اینگونه جماعت‌ها قرار دارد، و رهبران جماعت از بین همین قشر انتخاب میشوند. رژیم عمان برای جمع آوری مالیات، موارد حقوقی، انعقاد قراردادها، به این قشر کمپرادور تکیه میکند. این قشر خواهان مالکیت مستغلات و نخلستان‌های خرما در نواحی چون "سیب"، "البتینه"، "سیف"، "قلا" و "خوبره" است. در گروه بعدی رده اجتماعی صنعتگران، سوداگران، مغازه‌داران، شماره ناچیزی از معلمین، کارمندان بانک، کارمندان اداری و دانشجویان قرار دارند.

نسل دهه ۱۹۵۰ بارشد ناسیونالیسم عرب به جنبش روی آورد. در سال ۱۹۵۶ جوانان خوجه‌ای با تظاهرات کوچکی که در حول دیوار خوجه در مطرح بپا کردند، تهاجم انگلستان، فرانسه و اسرائیل را به مصر، محکوم نمودند. عده‌ای نیز در تظاهرات ۱۹۶۷ دومی که طی آن دفاتر شرکت‌های خارجی - "بانک - انگلیس و خاورمیانه" گری مک‌کنیز "و تاوول" به آتش کشیده شد شرکت داشتند. اما نسل پیشین هنوز اسیر آنچه‌ان ترس و خیال‌بافی‌ها نیست که هرگونه دگرگونی در رژیم را موجب نابودی زندگی سنتی‌اش میدانند. با وجود اینکه خود به گسترش این اوها م از سوی رژیم واقف است ولی از اینکه انقلاب‌روشی بیرحمانه در قبالش خواهد داشت و همه دار د. پس از کودتای قابوس خوجه‌هایی که توانایی‌اش را داشتند فرزندان خویش را برای تحصیل روانه خارج کردند. برخی از این افراد پس از مراجعت به کشور در بخش خدمات کشوری به کار مشغول شدند، در حالیکه برخی دیگر بخاطر شرکت در قیام کارگری - سپتامبر ۱۹۷۱ در زندان بسر می‌برند. گروهی از خوجه‌ها برای بیان امیال ناسیونالیستی خود با توجه به موضعی که طارق بن تیمور در قبالش‌ان اتخاذ نموده، به سازمان او - (جبهه برای آزادی عمان) پیوستند برخی نیز در سال‌های دهه ۱۹۶۰ به دیگر احزاب ناسیونالیستی عرب گرویدند.

بلوچها: از نظر کمی بلوچها، بزرگترین و گسترده‌ترین اقلیت را در عمان تشکیل می‌دهند که در "مسقط" مطرح و سراسر سواحل

"تبینه" بویژه در "سیب" جلکه "الجیلا" "مازیم (الطاهره" و "سور" سکنی دارند. بلوچها را براساس زمان ورودشان به عمان میتوان به سه گروه تقسیم کرد:

۱- گروه کثیری که در طول دهه‌های پیش به عمان آمده‌اند و عمدتاً "در" مازیم" اقامت دارند اینان به ازدواج با عمانی‌ها تن داده‌اند. برخی شان در "سیب" "البتینه" مسقط، مطرح و سور ساکنند.

۲- گروهی دیگر که درست پیش از جنگ "جبل‌الاکتر" (۵۹ - ۱۹۵۷) به عمان آمده‌اند. اینان بخاطر تعهدی که سلطان - کرده بود و طی آن قول تعویض نواحی ساحلی "گودار" را که پیشتر به پاکستان فروخته بود با منطقه‌ای مختص اینها در عمان داده بود به ارتش سلطان پیوستند، سرخوردگی از عدم تحقق تعهد سلطان اینان را به تشکیل سازمان مخفی و گسترده‌ای در ارتش کشاند. هدف این سازمان دفاع از حقوق و موقعیت این گروه در برابر خطرات احتمالی انقلاب بود. بر اساس گفته‌های رهبران‌شان رابطه‌ای مستقیم بین این سازمان و انگلیسها و ایرانی‌ها وجود دارد.

۳- گروه سوم که بصورت بازرگان به عمان آمده‌اند و کارشان بمتابزه مزدوران سلطان مرتجع جنگیدن است اینها - نیروی انسانی اصلی ارتشی را که سلطان برای مقابله با انقلاب به آن تکیه میکند تشکیل میدهند این گروه که با قراردادهای سه تا پنج ساله کار می‌کنند کارشان کشتن است

همانطور که اشاره شد بلوچها اکثراً " بکار در ارتش و پسران
واقلیتی نیز به سوداگری و دادوستد مشغولند که معروفترین
اینها محمد نسیب موسی عبدالرحمان است. تعدادی از بلو-
چها نیز بصورت بار بر و راننده در بنادر مسقط و مطرح کار
میکنند.

انقلاب اینان را پاره‌ای از خلق عمان میدانند خلقی که به نبرد
خویش تا بیرون راندن انگلیسی‌ها و سلطان تارهای کشور و وحدت
تمامی خلق ادامه خواهد داد. تنها پس از تحقق این امر تحت
حمایت حکومت دمکراتیک ملی است که حقوق همه آحاد ملت
تضمین شده و تمامی خلق در کنار یکدیگر به زندگی خواهند
پرداخت.

پیام جبهه خلق برای آزادی عممان
به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
در دوره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آغاز ششمین
سال آغاز مبارزه مسلحانه " ۱۹ بهمن

درچنین روز جاودانی، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
باشلیک گلوهای آغازین، شکوفائی پایگاه نوینی را که همواره
خلق در انتظارش بود اعلام داشت و این گلوله‌ها آهنگی را
نواختند که شنونده زابه شور و وجد آورد، آهنگ مبارزه مسلحانه
بمثابه والاترین شکل مبارزه در نبرد با هیولای امپریالیسم، شاه
دست نشانده

مبارزهٔ قهرمانانه ای که توده های ایرانی برهبری پیشا-
هنگان مبارزش و نیروهای ملی و دمکراتیکش در کارآنست و نیز
قربانیهای گرانی که خلق ایران در مبارزهٔ طولانی خویش طی
سالهای گذشته در راه رهایی از دست دودمان خائن پهلوی
تقدیم داشته است، بسی شایسته ارج و درخور احترام است.
رودرروئی قهرمانانه با دستگاه سرکوب شاهنشاهی جنایت
پیشه و وارد ساختن زیانهای سنگین و پی در پی بآن توانائی
انقلاب را در پایداری و تداوم نشان داده است. چیزی که
برای انقلاب در داخل صلابت و تجربه و تائید خلقی هرچه
فزاینده تر و در خارج انبوهی گران از پشتیبانان و یاران -
برایش بارمغان آورد و مبارزه ایران را در جایگاه شایسته
و اثر بخش در مسیر رویدادهای جاری تمامی منطقه قرارداد.
این یادروز شکوهمند، بویژه اهمیتش در آنست که در شرایط
محلی و جهانی بسیار حساس و پیچیده‌ای فرامی رسد که نیروهای
انقلابی در شرق ما، با یک سلسله از پیوندهای شوم بهم پیوسته
امپریالیستی روبرو است که همگی خاموش کردن غرش تفنگهای

رزمنده و نابود ساختن انقلاب افروخته و بزاندرد آوردن تمامی انقلابیون در سراسر منطقه خاورمیانه را هدف قرار داده است. آنچه که می‌رود تا اوضاع را به نفع انحصارات امپریالیستی ترتیب داده و با دستگیری فرمانبرداران ارتجاعی محلی شیخ هیولای امپریالیستی را بر سر نوشت خلقهای منطقه تثبیت کند. آمریکاشاه را بعنوان بهترین کارگزار خویش در منطقه باز یافته است. کارگزاری که در پاسداری از منافعش در منطقه و با توجه بموقعیت جغرافیائی که ایران از آن برخوردار است، ثروت سرسام آور نفت آن و فشرده‌گی جمعیتش می‌تواند باو - اعتماد کند. چیزی که بشاه امکان داده است برای آمریکا در مقام یکی از تکیه گاههای نیرومند در منطقه باشد، تکیه گاهی مناسب با طرح معروف نیکسون که خواستار ایجاد پایگاههای سرکوب محلی در نواحی مختلف جهان برای نگهداری از منافع آمریکا بود تا آمریکا بتواند در جنگهای زیانبار دیگری همانند جنگهای هندوچین که جز خواری و شکست از آن چیزی عایدش نمی‌شود خود را درگیر نسازد.

بحران انرژی بدنبال جنگ اکتبر ۷۳ و اوجگیری انقلاب در عمان و افزایش فعالیت انقلابیون در ایران، اینها همه باعث شد که امپریالیزم آمریکا توجه خویش را به منطقه افزایش دهد. این بود که آمریکا انبارهای اسلحه خویش را بدون هیچ مضایقه ای بروی ایران گشود و بدنبال آن گروههای متخصصین و مستشاران آمریکائی بتهران فرستاده شدند و بدینگونه ایران را بصورت پاسگاه جلودار خویش در خاورمیانه درآورد و این بویژه در شرایطی صورت گرفت که در اطمینان آمریکا بیه نیروی اسرائیل در مقاومت دراز مدت در مقابل ضربه های شجاعانه مقاومت فلسطین و استمرار وی در حفظ موضع ژاندا - رمی معتبر، برای امپریالیستها در خاورمیانه، خدشه ایجاد شد. اینک شاه اجرای کلیه نقشه های امپریالیستی را که باو واگذار می‌شود با خلوص تمام می‌پذیرد و بهمین جهت ایران با

پیمانهای دشمنانه، امپریالیستی بزرگی پیوند داده شد و ادعای فراخوانی جهت ایجاد پیمان محلی با نام "امنیت خلیج" را ساز کرد. تحت لوای همین شعار بود که نیروهایش را به طرف عمان گسیل داشت تا با خلق مابیه جنگ پرداخته و زمینهایش را اشغال کنند. آنچه که استعمارگران انگلیسی مزدور و دست نشاندها شان قابوس ونیز خونخواران فرستاده، ملک حسین کشتارگر مقاومت فلسطین، از دست یازی بآن عاجز ماندند.

شعار "امنیت خلیج" که ارتجاع ایران با مخفی شدن در پشت آن می‌خواهد اعمال جنایت کارانه ایراکه نیروهایش در حق خلق ما و نیز در راه تثبیت اشغال خاکمان مرتکب می‌شوند این در حقیقت طرحی است در جهت تامین و حمایت منافع امپریالیستی و سرکوب خلقهای منطقه، این مشتاقان نسیم آزادی و سیادت ملی.

هدف از اعمال دشمنانه شاه و طمع ورزیهای توسعه طلبانه وی بر سر زمین همسایگان عربش در واقع آسیب رساندن بسه پایه های برادری و روابط تاریخی میباشد که خلقهای ایران و عرب را بهم پیوند داده است و اینکار را همچنین از راه طرح شعارهای واهی و ادعاهای دروغین مطرح می‌سازد اما ما بشاه می‌گوئیم که همه این دسیسه ها بزدوی بر صخره - پایداری خلقهای مادر هم شکسته خواهد شد. خلقهای کوه دشمن حقیقی خود را بخوبی شناخته اند و ماهیت خیره شبب بازیهایش آشکار شده است. ما مسئولیت سنگینی را که - نیروهای انقلابی ایران بدوش دارند و نیز درنده خوئی دشمنی را که با او رودر رو هستند و شرایط دشواری را که مبارزه در آن سیر می‌کند تماما "درک می‌کنیم. از اینرو از کلیه ارگانهای انقلابی ایران خواسته می‌شود که بیش از هر وقت

مستحکم باد پیوند خلق‌های ایران و عمان

دیگر اختلافات خود را کنار گذاشته و صفوف خویش را در جبهه ملی متحد فشرده‌ای جمع نمایند تا برسيله آن بتوانند دشمن را در هم کوبیده و بروی پیروز شوند.

امپریالیسم رژیم شاه را بصورت شمشیری مسلط برگردن خلق‌های منطقه و سدی در مقابل آرمان‌های وی در آورده است، امری که ضرورت هر چه بیشتر برپا کردن جبهه‌ای گسترده و یک پارچه که تمامی ارگان‌های ملی و دموکراتیک را در همه منطقه برای رو در روئی با کلیه تجاوزات امپریالیستی و نقش بر آب کردن دسیسه‌ها و نقشه‌های دشمنانه اش را شامل گردد، در خود نهفته دارد ما با گرمی و افتخار به سازمان چریک‌های - فدائی خلق ایران و مبارزهٔ وی در شرایطی درودمی فرستیم که وارد ششمین سال مبارزهٔ خویش می‌شود ما مبارزهٔ شما را بخشی از مبارزهٔ خویش می‌شماریم و به پیروزی محتوم شما ایمان مطلق داریم همانطور که به طلوع با مدادان بدنبال سیاهی شب.

بار دیگر تائید مطلق و وقوف خویش را در کنار انقلاب - ایران تا زمانی که بردشمنانش پیروز شود و چهرهٔ - فروزان ایران را به او باز گردانند و تا زمانی که تمامی سیادت خلق برادر ایران باز گرداننده شود، تاکید می‌کنیم.

جبهه خلق برای آزادی عمان

۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۴

کمیونستهای انقلابی
www.k-en.com
info@k-en.com